

نامزدی

دکتر عبدالرسول دیبانی (وکیل پایه یک
دادگستری و استادیار دانشگاه آزاد
واحد تهران شمال و تهران مرکز)
قسمت اول

مقدمه:

موضوع نامزدی یکی از مباحث حقوق خانواده است که در خصوص شرعی بودن و آثار و احکام مترتب بر آن نظرات مختلفی ارائه شده است. در حالی که در حقوق اسلام این تأسیس پیش بینی نشده است، در حقوق موضوعه بر گرفته از قانون مدنی، قانونگذار ما نامی از این تأسیس برده و آثار و احکامی را از آن نفی نموده است و به گونه ای بر وجود واقعی این نهاد صحنه گذاشته است. ما در این مقاله ابتدا به مفهوم نامزدی پرداخته و در بخش دوم به آثار این نهاد می پردازیم.

بخش اول - مفهوم نامزدی

در قانون مدنی تعریفی از نامزدی نشده، ولی مسلماً "نامزدی" به مرحله ای قبل از ازدواج اطلاق می گردد که بدان «دوران نامزدی» می گویند. در اصطلاح عرف، نامزدی به موردی گویند که از طرف مردی نسبت به زنی خواستگاری شود که بعداً با او ازدواج نماید. این است که بعضی از قوانین مثل قانون مدنی یونان به صراحت آن را به "یک نوع وعده ازدواج در آینده" یا "تعهد به ازدواج در آینده" تعریف کرده اند^(۱). در حقوق فرانسه، مسئله نامزدی به سکوت برگزار شده و در کد سیویل از آن نامی به میان نیامده است. دکتر حسن امامی، نامزدی را به "خواستگاری مردی از زنی به منظور ازدواج بعدی و موافقت زن که به هر کدام از آن دو نامزد می گویند"^(۲)، تعریف نموده است. قبل از ورود به بحث،

لازم می دانیم اشاره ای به این نهاد از نظر حقوق اسلام بیافزاییم.

قسمت اول - نامزدی از نظر حقوق اسلام:

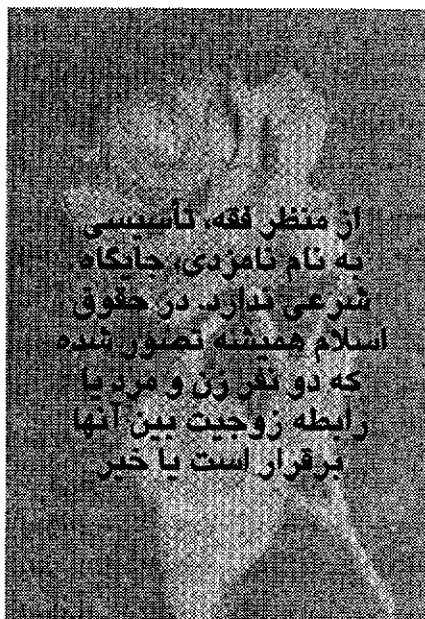
از منظر فقه، تأسیسی به نام نامزدی، جایگاه شرعی ندارد. در حقوق اسلام همیشه تصور شده که دو نفر زن و مرد یا رابطه زوجیت بین آنها برقرار است یا خیر. اگر این رابطه موجود باشد، این دو، نسبت به همدیگر زوج و زوجه شرعی محسوب می گردند و تمامی آثار ازدواج از جمله بهره‌وری‌های جنسی نیز به طور مشروع از یکدیگر ممکن می شود و اگر صیغه عقد شرعی به طور صحیح بین دو نفر ادا نشود، دو نفر مزبور نسبت به همدیگر بیگانه محض می باشند و هیچ اثری از آثار ازدواج بین آنها پدید نمی آید و هر گونه رابطه جنسی قبل از اجرای صیغه، غیر مشروع است.

با این حساب، اسلام بر خلاف مسیحیت با وجود هر گونه برزخی بین عدم ازدواج و ازدواج یا بین ازدواج و طلاق مخالف است. بد نیست بدانیم در حقوق مسیحیت بین مرحله قبل از ازدواج و ازدواج، برزخی تحت عنوان نامزدی وجود دارد و از آن طرف بین ازدواج و طلاق نیز برزخی بنام تفریق جسمانی^(۳) فاصله می اندازد. در اسلام با هر گونه وضعیت بینابین که تکلیف رابطه زناشویی را مورد تردید قرار دهد و حقوق و تکالیف را مشخصاً بار ننماید، مخالفت شده است. نفی برزخ بین ازدواج و طلاق را از ظاهر آیه ۲۲۹ سوره بقره که می فرماید: «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان» نیز می توان فهمید. یعنی از نظر اسلام یا باید زندگی کردن با نیکی و سعادت و خوشی را انتخاب نمود و یا جدایی را برگزید که همین جدایی نیز باید به احسان مقرون

باشد. نیز باید متذکر شد آنچه به غلط عرفاً مصطلح شده "صیغه محرمیت" یا حتی "صیغه خواهر و برادری" به عنوان یک عمل مستقل از نکاح و دارای منشا آثار حقوقی، مؤید شرعی ندارد. یعنی آنچه می تواند موجب شود که دو نفر اساساً نامحرم بتوانند بدون تحفظ شرعی با هم ارتباط داشته باشند، انعقاد عقد شرعی ازدواج دائم یا موقت است که با جریان صیغه نکاح تمام آثار زوجیت و حقوق و تکالیف مرتبط با آن برقرار می گردد.

البته در فقه در مورد مرحله قبل از ازدواج فقط به مسئله حدود امکان تفحص از حال زنی که مرد می خواهد با وی ازدواج نماید و همچنین به شرایط آن پرداخته شده است و کمتر کتاب فقه شیعی است که به این دو مسئله نپرداخته باشد. در قسمت حدود تفحص، این بحث مطرح شده که آیا مرد، زنی را که می خواهد به علقه زوجیت خود در بیاورد، می تواند مشاهده کند یا نه و حدود مشاهده آیا به جمیع بدن سرایت می کند یا تنها به وجه و کفین باید اکتفا نمود. برخی به صراحت از امکان رؤیت مواضع زینت زن^(۵) سخن به میان آورده اند؛ ولی قریب به اتفاق آنها امکان رؤیت را منوط به شرایطی نموده اند که مهم ترین آنها قصد ریبه نداشتن است^(۶). در فقه اهل سنت به مواردی نیز برخورد می کنیم که مرد مؤمن از نامزد نمودن فردی که مورد نامزدی دیگری واقع شده بر حذر داشته شده است. به هر حال، آنچه در فقه آمده همگی منحصر و محدود به چند لحظه قبل از ازدواج است و به هیچ وجه شامل یک مدت طولانی تحت عنوان "دوران نامزدی" نمی شود.

البته بحث افرادی که می توان از آنها خواستگاری نمود، پیشینه فقهی دارد و قانون مدنی نیز در ماده (۱۰۳۴) که مقرر می دارد: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می توان خواستگاری نمود.» از فقه



تبعیت نموده است^(۷). موانع نکاح - که در مواد بعد قانون مدنی توضیح داده شده - شامل شوهردار بودن یا در عده رجعیه دیگری بودن، در زمره محارم نسبی و سببی و رضاعی بودن وی می باشند. در مورد زنی که در عده رجعیه دیگری است، حتی به صورت مشروط نیز نمی توان از وی خواستگاری نمود. مثلاً مرد نمی تواند به چنین زنی بگوید: اگر شوهرت در مدت عده رجوع نمود و عده شما سپری شد، من با شما ازدواج خواهم نمود. ولی به هر حال، اگر مردی در جایی که نمی توانست خواستگاری کند، مبادرت به اینکار کرد، و پس از سپری شدن عده با او ازدواج نمود، چنین ازدواجی باطل نیست. البته خواستگاری از زنی که در عده طلاق بائن یا فسخ نکاح و یا عده وفات است، خواستگاری به تعریض یا به کنایه و اشاره را مجاز^(۸) دانسته شده، ولی خواستگاری به تصریح منع گردیده است^(۹). شایان گفتن است که خواستگاری از دختری که هنوز به سن قانونی نرسیده از طریق ولی قهری وی به عنوان کسی که می تواند مصلحت طفل را در نظر بگیرد، مشروع شناخته شده است.

خلاصه اینکه، آنچه در فقه آمده تحت

عنوان "خواستگاری" است، نه "نامزدی"؛ و نامزدی تأسیسی است که از حقوق بیگانه به حقوق کشور ما راه پیدا کرده است.

بد نیست متذکر شویم، قوانین ما برای خواستگاری از زنی که مانع قانونی برای نکاح دارد، ضمانت اجرایی مناسبی پیش بینی ننموده؛ ولی برخی حقوقدانان معتقد شده اند اگر فردی عالم به همسر دار بودن زنی باشد و با این حال در امکان عمومی و یا معابر از وی خواستگاری نماید، صدق عنوان تعرض و یا مزاحمت موضوع ماده (۶۱۹) قانون مجازات اسلامی را محتمل دیده اند^(۱۰). ولی اگر قاعده تفسیر مضیق نصوص جزایی را در نظر بگیریم، استدلال به این ماده برای مجازات کیفری خواستگاری از زن شوهر دار ممکن نیست. شاید بتوان این عمل را مصداق از مصادیق ماده (۶۳۸) همان قانون تحت عنوان ارتکاب عمل حرام در انظار و امکان عمومی دانست، و فاعل را مستحق مجازات کیفری قلمداد کرد؛ ولی عملاً کسی که چنین قصدی داشته باشد، طرف مقابل را از قصد خود در امکان و انظار مردم آگاه نمی سازد، بلکه از خلوت و بعضاً تلفن و اینترنت برای آگاهی طرف مقابل بهره می گیرد. به هر حال، حق این است که قانونگذار در این مورد نیز با قانون مصرحی جلوی سوء استفاده مردان را بگیرد.

با توجه به اینکه بجز ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی، نمی توان در فقه سابقه ای برای این تأسیس یافت، باید در حقوق کشورهای بیگانه که در تدوین قانون مدنی ما نقش داشته اند به جستجوی پیشینه این نهاد پرداخت.

قسمت دوم - پیشینه نامزدی در قوانین بیگانه

در بین کشورهای اروپایی، قوانین سوئیس و آلمان مشابهت بسیاری با قوانین ما دارد و حتی گفته شده که بحث نامزدی

بخصوص از حقوق سوئیس به حقوق ما راه پیدا کرده است (مواد ۹۱ تا ۹۵ قانون مدنی سوئیس). البته قواعد مربوط به نامزدی که در کشورهای مسیحی که این نهاد را پذیرفته اند، به نوبه خود از حقوق مذهبی کلیسایی تأثیر پذیرفته است.

با توجه به سابقه تأثیر حقوق اروپایی بر حقوق ما، لازم است قدری در خصوص جایگاه این تأسیس در حقوق کشورهای اروپایی داشته باشیم.

نهاد نامزدی تا قبل از پنجاه سال گذشته، در حقوق اکثر کشورهای اروپایی وجود داشت؛ ولی به تدریج نهاد مذکور در نظام های حقوقی این کشورها بی رنگ و یا به کلی محو گردیده است.

در شرایط فعلی، حقوق کشورهای اروپایی را در این باره می توان به سه دسته تقسیم نمود:

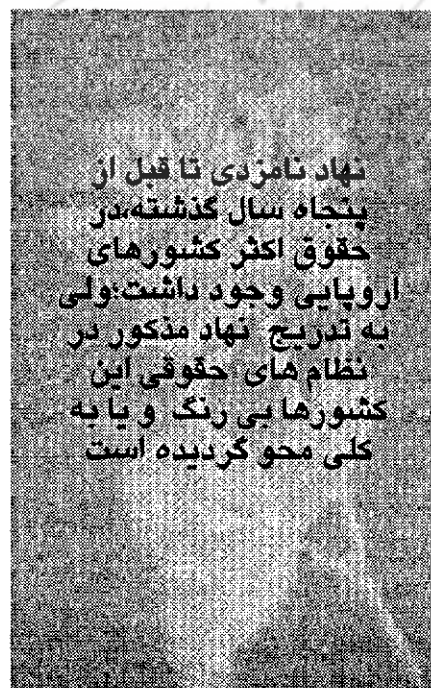
گروه اول، کشورهایی هستند که هیچ گونه اثر حقوقی برای این نهاد قائل نیستند. گروه دوم، کشورهایی هستند که به نحوی از این نهاد سخنی به میان آورده اند، ولی نه تحت عنوان بخصوصی که آثار و تبعات آن را نیز ذکر کنند.

بالاخره گروه سوم که آن را از حقوق خانواده غیر قابل تفکیک دانسته و در حد یک قرارداد قلمداد نموده و برای آن آثار و نتایجی هم بر شمرده اند.

- در بین کشورهای گروه اول، انگلستان و اسکاتلند و سوئد را می توان نام برد که اولی از سال ۱۹۷۰ و دومی از سال ۱۹۸۴ و سومی از سال ۱۹۷۳ م؛ این نهاد را از حقوق خود محو نمودند. دلیل این کار این بود که زوج های بسیاری به طور عملی و مؤثر زندگی زناشویی خود را شروع نموده و از این عنوان که امتیازاتی را به نامزدها می داد، سوء استفاده می کردند. در بین کشورهای بلوک شرق، کشور رومانی از سال ۱۹۵۳، بلغارستان از سال ۱۹۵۰، یوگسلاوی سابق

از سال ۱۹۴۰، چک و اسلواکی از سال ۱۹۴۹، روسیه از سال ۱۹۲۶ و لهستان از سال ۱۹۵۰ م، را می توان نام برد. بدین ترتیب، مواد مربوط به نامزدی، بعد از جنگ دوم جهانی بتدریج از حقوق کشورهای بلوک شرق رخت بر بست. دلیل حذف این نهاد از حقوق کشورهای بلوک شرق این بود که این نهاد را با آزادی کامل برای انعقاد عقد که تازه در حقوق این کشورها وارد شده بود، منافی می دیدند^(۱۱). در نتیجه، در حقوق این دسته از کشورها، نامزدها می توانند هر وقت که بخواهند نامزدی را بر هم بزنند و هیچ تعهدی نسبت به انعقاد عقد نکاح در آینده ندارند.

- گروه دوم کشورهایی هستند که برای نامزدی، بعضی از آثار حقوقی را قائل شده اند. این سری کشورها که تعدادشان بسیار زیاد است، به نوبه خود بر دو قسم اند: دسته اول کشورهایی هستند که مقررات خاصی در این خصوص دارند. از جمله این کشورها، اتریش^(۱۲)، دانمارک (با قانون ۵ ژوئن ۱۹۲۲)، هلند (ماده ۴۹ قانون مدنی) اسپانیا^(۱۳)، ایتالیا^(۱۴)، پرتغال^(۱۵)، و ترکیه^(۱۶) می باشند.



دسته دوم کشورهایی هستند که هیچ گونه مقررات خاصی در این خصوص ندارند و برای مواردی که به نحوی پای این نهاد به میان می آید، به قوانین و مقررات عمومی مراجعه می کنند. این کشورها شامل فرانسه، بلژیک، موناکو، لوگزامبورک، انگلستان، مجارستان، لهستان و نروژ می باشند. البته در مورد نروژ و لهستان اختلاف نظراتی در آرای علمای حقوق آنها مشاهده می شود.

- گروه سوم کشورهایی هستند که برای نامزدی ارزشی در حد یک قرارداد قائلند. این کشورها شامل سوئیس و آلمان و ایتالیا (برای ازدواج مذهبی) و فنلاند می باشند. البته چنانچه گفته شد، حقوق آلمان و سوئیس در این زمینه خیلی به همدیگر نزدیک می باشند. به همین دلیل، آنهایی که قائل شده اند حقوق ما در زمینه نامزدی از حقوق بیگانه تأثیر پذیرفته، به حقوق این دو کشور اشاره نموده اند.

در بین کشورهایی که مثل فرانسه برای این تأسیس حقوقی جایگاهی قائل نیستند، طبعاً بحث شرایط ماهوی و شکلی نامزدی پیش نمی آید؛ ولی برای این تأسیس در سایر کشورها مثل هلند و ترکیه و آلمان و سوئیس شرایطی ذکر شده است. در حقوق آلمان، کسی که قبلاً نامزد شده را نمی توان نامزد نمود. در سوئیس و آلمان اگر ارتباط خویشاوندی بین دو نفر باشد، یا مانعی برای ازدواج آنها باشد، امکان نامزدی بین آنها نیست. در سوئیس، افراد محجور و صغیر فقط با رضایت ولی قانونی می توانند نامزد شوند. در خصوص شرایط شکلی، در هلند و ترکیه باید به دفاتر ثبت احوال وضعیت نامزدها اعلام شود تا آثار حقوقی مربوط را بتوان بر آن بار نمود. در ایتالیا برای ازدواج مدنی باید یک سند عادی که حاوی وعده ازدواج باشد، به امضای دو طرف برسد.

آثار حقوقی بر هم زدن نامزدی در کشورهای مختلف اروپایی متفاوت است.

مهم ترین بحث در این خصوص این است که مسئولیت ناشی از آن چگونه مطرح می‌گردد. این مسئولیتها عمدتاً پیدایش حق مطالبه جبران خسارت های وارد شده و در برگشت دادن هدایا می‌باشد که به همین حد اکتفا نموده و به آثار نامزدی در حقوق کشور خودمان می‌پردازیم.

بخش دوم - آثار نامزدی

مهم ترین بحثی که در قسمت آثار نامزدی به آن خواهیم پرداخت، بررسی مسئله الزام آور بودن تعهد به ازدواج در آینده است. ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی بدون ارائه تعریفی از نامزدی مقرر می‌دارد: "وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند، اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخت شده باشد. بنابر این، هر کدام از زن و مرد می‌توانند مادام که عقد نکاح جاری نشده باشد از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت، مطالبه خسارتی نماید."

از آنجا که ازدواج، قرارداد مهمی است که می‌تواند سرنوشت یک عمر زوجین و یا افراد دیگری را رقم زند، و در صورت عدم دقت کافی بر عواقب و آثار آن ممکن است نتایج شومی به دنبال داشته باشد، قانونگذار به خواستگاران اجازه داده است تا زمانی که صریحاً خود را با جاری ساختن صیغه ازدواج متعهد نساخته اند، بتوانند از تصمیم خود باز گردند.

اما معمولاً برای فرار از الزام آور نمودن وعده ازدواج در آینده تمهیداتی اندیشیده می‌شود که آنها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قسمت اول - تمهیدات اندیشیده شده برای الزام آور نمودن تعهد به ازدواج

لزام آور نمودن تعهد به ازدواج موجب

از آنجا که ازدواج، قرارداد مهمی است که می‌تواند سرنوشت یک عمر زوجین و یا افراد دیگری را رقم زند، و در صورت عدم دقت کافی بر عواقب و آثار آن ممکن است نتایج شومی به دنبال داشته باشد، قانونگذار به خواستگاران اجازه داده است تا زمانی که صریحاً خود را با جاری ساختن صیغه ازدواج متعهد نساخته اند، بتوانند از تصمیم خود باز گردند.

گردیده که مشاوران حقوقی راههای متفاوتی را برای الزام آور نمودن تعهد به ازدواج پیش بینی نمایند که هر کدام را به طور مستقل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - تعهد به ازدواج در آینده به صورت یک تعهد مستقل

تعهد مستقل که فقها به آن شرط ابتدایی می‌گویند به تعهدی گفته می‌شود که ضمن عقد لازم دیگری نیاید و صحت و لزوم خود را مدیون مواد (۱۰ و ۲۲۳ و ۲۱۹) قانون مدنی است؛ یعنی، همان طور که شخص می‌تواند متعهد به بیع، خرید، اجاره و استجاره شود، بتواند متعهد به جاری نمودن صیغه ایجاب و یا قبول عقد ازدواج نماید. باید گفت که اگر وفق قواعد عمومی مربوط به تعهدات به فعل بخواهیم عمل نماییم، تعهد به ازدواج مثل سایر تعهدات به فعل، مشروع خواهد بود و ضمانت اجرای آن همان الزام به مفاد شرط فعل و در هنگام تعدر الزام جبران خسارت وارده شده خواهد بود. البته شکی نیست که ضمانت اجرای دوم از تعهدات به فعل در جایی که موضوع تعهد ازدواج در آینده باشد متصور نیست؛ یعنی نمی‌توان تصور نمود

که انجام تعهد به ازدواج از ثالث امکان پذیر باشد، زیرا در ازدواج شخصیت طرفین علت عمده عقد است.

سؤال این است که آیا قواعد عمومی را می‌توان در مورد تعهد به ازدواج نیز جاری ساخت؟

جواب منفی است و نص ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی این کار را منع می‌سازد. نباید معتقد شد منظور ماده (۱۰۳۵) مورد وعده ازدواج است و نه تعهد به ازدواج؛ زیرا اگر منظور ماده (۱۰۳۵) وعده اخلاقی صرف بود جای این سؤال بوده که وعده کدام عقد الزام آور است که قانونگذار لازم دیده وعده ازدواج را از قانون کلی مستثنا سازد؟ مگر وعده اجاره و یا وعده بیع الزامی بر فروشنده و موجر بار می‌نماید که بنا به حکم این ماده بگوییم وعده ازدواج چنین تعهدی را بار نمی‌نماید؟ پس به نظر ما ماده (۱۰۳۵) فراتر از یک وعده اخلاقی صرف را مد نظر دارد و می‌خواهد هرگونه تعهد به ازدواج را فاقد نیروی الزام آور بداند. در نتیجه، اگر موضوع تعهد ازدواج در آینده باشد، الزامی بر طرفین متعاقبین ایجاد نمی‌نماید. به علاوه، بابت عدم انجام چنین تعهدی خسارت نیز نمی‌توان مطالبه نمود. از اینجا وجه افتراق این نظر با عقیده کسانی که تعهد به ازدواج در آینده را نوعی عقد جایز دانسته‌اند^(۱۳) آشکار می‌گردد. باید دانست در عقد جایز نیروی الزام آور وجود دارد؛ ولی این نیرو بنا به اراده یکی از طرفین قابل زوال است و تا زمانی که اراده یکی از طرفین منجزاً بر فسخ عقد جایز استوار نشده، تعهدات مندرج در چنین عقدی گریبان گیر طرفین خواهد بود. یعنی، اگر یکی از طرفین عقد جایز نخواهد مفاد عقد را محترم بشمارد، ابتدائاً باید آن را فسخ نماید تا متعاقباً بتواند از تعهدات مندرج در عقد جایز شانه خالی کند. این در حالی است که تعهد به ازدواج در آینده از نیروی الزام

آور بنا به حکم قانون محروم مانده است. با این حساب، ماده (۱۰۳۵) جوهره تعهد که همان نیروی الزام آور باشد را از چنین تعهد بخصوصی سلب نموده است و لذا تعهد به ازدواج در آینده نمی تواند عقد جایز قلمداد گردد و از این رو هیچ الزامی بر طرفین ایجاد نمی نماید.

پی نوشت:

۱ در حقوق فرانسه و سوئیس نامزدی همیشه به صورت جمع بار می رود عبارت Fincailles Les را بار می برند.

۲ چنین تعریفی در ماده (۱۳۴۶) قانون مدنی یونان دیده می شود
۳ دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۴.

۴ شیخ مرتضی انصاری، متاخر، ج ۲، کتاب النکاح ص ۲۷۳.
۵-۶ در این رابطه امام خمینی در تخریر الوسیله ذیل مسئله ۲۸

نکاح می فرمایند: برای کسی که می خواهد با زنی (یا دختری) ازدواج کند جایز است به او نظر بیافکند به شرطی که منظورش لذت بردن نباشد هر چند بدانند که به محض دیدن او خواه نخواهد تلبذد برایش حاصل می شود و نیز به شرطی این نظر کردن جایز می شود که احتمال بدهد اگر او را ببیند بصیرتش نسبت به او بیشتر می شود، شرط سوم اینکه در حال حاضر ازدواج با او جایز و ممکن باشد پس نگاه کردن به زن شوهر دار به قصد ازدواج با او بعد از طلاق شوهرش و بیرون شدنش از عتقه جایز نیسته شرط چهارم اینکه احتمال بدهد که زن یا در خواست او موافقت کند پس زنی که دوست دارد با او ازدواج کند ولی می داند که او هرگز قبول نمی کند نمی تواند نظر بیاندازد و احتیاط آن است که به دیدن صورت و کف دست و موی سر و سایر زیباییهایش اکتفا کند هر چند که اقوی جواز نظر انداختن به بند دست و سایر نقاط بدن غیر از عورت است و نزدیکتر به احتیاط آن است که او را از پشت جامه ای نازک ببیند همچنان که اجوط اگر نگویم اقوی این است که تنها به زنی نظر بیاندازد که قصد ازدواج یا خصوص او را دارد، پس حکم جواز نظر شامل صورت انتخاب یکی از بین چند نفر زن را نمی شود (تا اینکه همه را با هم مقایسه نموده یکی که به نظرش بهتر است را انتخاب کند) و اگر با یک بار دیدن به وضع او آگاه نمی شود، تکرار نظر جایز است.

۷- شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۶۳

۸- شرایع الاسلام، به نقل از جواهر الکلام ج ۳۰ ص ۱۱۹

۹- همان مصدر ص ۱۲۰- وسایل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۸۳
باب تحریم التصریح بالخطبه لذات العده و جواز التعریض و باب ۵۵ از ابواب العده، ج ۱۵ وسایل الشیعه ص ۴۸۶

۱۰- دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی حقوق خانواده ۱۳۷۵

۱۱- البته این اصل در کشورهای غربی هم وارد شده بود ولی در کشورهای بلوک شرق در حد افراطی آن مطرح گردید.

۱۲- مواد ۴۵ و ABGB ۶۴

۱۳- ماده ۷۶ قانون مدنی این کشور

۱۴- در خصوص ازدواج مدنی با ماده ۷۹ تا ۸۱ قانون مدنی و نه برای ازدواج مذهبی که از قانون کلیسا تبعیت می کند زیرا در ایتالیا دو سیستم ازدواج وجود دارد.

۱۵- مواد ۱۵۹۲ تا ۱۵۹۵ قانون مدنی این کشور

۱۶- مواد ۸۲ تا ۸۷ قانون مدنی این کشور

